



۴ بیوگرافی و روند فعالیت در صنایع نساجی

متولد اول بهمن ۱۳۵۳ و فارغ التحصیل رشته مهندسی تکنولوژی نساجی از دانشگاه کاشان هستم. پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی و اتمام دوران سربازی در چندین کارخانه تولید فرش ماشینی کاشان به فعالیت پرداختم.

از سال ۱۳۸۱ وارد سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) شدم و مدتی نیز ریاست اداره برنامه ریزی و توسعه صنایع غیرفلزی ایدرو را برعهده داشتم.

یکی از شرکت‌های تحت پوشش ایدرو یعنی «نساجی قائمشهر (شماره ۲)» سال ۱۳۰۹ توسط زنده‌یاد عباس لاجوردی تأسیس شد که دهه ۹۰ به شهرداری قائمشهر واگذار گردید؛ این واگذاری نادرست معضلات بسیاری را برای کارخانه مذکور به وجود آورد به طوری که همچنان با مشکلات متعددی دست و پنجه نرم می‌کند.

در «شرکت گسترش صنایع بلوچ» (یکی دیگر از کارخانجات نساجی تحت پوشش ایدرو) ابتدا مباحث کارشناسی و نظارتی آن را برعهده داشتم، سال ۱۳۹۷ مدیریت بازرگانی مجموعه را برعهده گرفتم و پس از دو سال به ایدرو بازگشتم.

آذر سال ۱۴۰۱ به عنوان هیئت مدیره موظف و مدیر بازرگانی و اسفند سال ۱۴۰۱ به عنوان مدیرعامل منصوب شدم.

۴ شرکت گسترش صنایع بلوچ را در چه

شرایطی به عنوان مدیرعامل تحویل گرفتید؟ شرایط تولید و فروش محصولات آن در چه وضعیتی قرار داشت؟

اگرچه مدیران بومی و غیربومی تلاش‌های بسیاری برای حفظ و رشد مجموعه به عمل آوردند ولی متأسفانه صنایع بلوچ در طول مدیریت‌های مختلف، صدمات بسیاری را متحمل شده است زمانی که مجموعه را به عنوان مدیرعامل تحویل گرفتم روند تولید کارخانه تقریباً مناسب بود و در حال حاضر افزایش حجم تولید و ارتقای بهره‌روی دستگاه‌ها از مهم‌ترین اولویت‌های ما محسوب می‌شود. در واقع تصمیم داریم دیدگاه بخش خصوصی را در یک کارخانه دولتی مستقر نماییم.

در جست‌وجوی زمان از دست رفته

تهیه و تنظیم: مینا بیانی

گفت‌وگو با مهندس امیرحسین چاپچی - مدیرعامل و عضو هیئت مدیره شرکت گسترش صنایع بلوچ (بافت بلوچ)

اشاره:

زمانی که عنوان کارخانه بافت بلوچ را در اینترنت جست‌وجو می‌کنیم اغلب اخبار حکایت از احیای مجدد این کارخانه دارد. به گزارش تسنیم، «کارخانه بافت بلوچ زیرمجموعه شرکت «گسترش صنایع بلوچ» فعال در شهرستان ایرانشهر در جنوب استان سیستان و بلوچستان می‌باشد.» خبرگزاری ایرنا نیز ضمن اشاره به آتش‌سوزی بخشی از این کارخانه عنوان کرده بود: «آتش که به جانش افتاد، بعد از فروش قطعه قطعه تجهیزات، ساختمان کارخانه به منظور واگذاری در لیست سازمان خصوصی‌سازی قرار گرفت، راهکاری که برای حل مشکلاتش هرگز مناسب نبود تا اینکه سرانجام با تأکید رهبر انقلاب از لیست سازمان خصوصی‌سازی خارج و برای احیا به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران واگذار و تحت حمایت دولت قرار گرفت.» برای کسب اطلاع بیشتر از وضعیت فعلی این کارخانه که فراز و نشیب‌های بسیاری را در طول حیات خود پشت سر گذاشته، گفت‌وگویی با مدیرعامل آن انجام داده‌ایم که از نظرتان می‌گذرد:



۴ امکان پذیر هست؟

در بعضی موارد به دلیل قوانین دست و پاگیر دولتی به سختی امکان پذیر هست در واقع آزادی عمل مدیر بخش خصوصی در یک کارخانه دولتی کمتر وجود دارد اما تلاش می کنیم تفکر بخش خصوصی را تا جایی که امکان دارد در بخش دولتی پیاده سازی نمایم. در این میان یکی از نکات آزاردهنده طرز نگرش افرادی است که از بیرون به کارخانه های دولتی نگاه می کنند. برخی معتقدند در مجموعه های تحت پوشش دولت، مدیران چند صباحی مشغول کار می شوند، حقوق و دستمزدشان را می گیرند و هیچ توجهی به تداوم تولید و افزایش بهره وری ندارند بلکه صرفاً دوران مدیریت خود را سپری می کنند و پس از چند سال بدون کسب دستاورد خاصی، جای خود را به مدیر بعدی می دهند و این چرخه همچنان ادامه می یابد اما به عنوان مدیر یک کارخانه دولتی اصلاً چنین دیدگاهی نسبت به تولید نداشته و ندارم چون شرکت گسترش صنایع بلوچ را متعلق به ملت ایران می دانم و سعی می کنم تمام تلاش خود را برای اداره کارخانه به نحو احسن انجام دهم. نکته مهم این که به دلایل مختلف از جمله محدودیت های دولتی دستان بسته است و اختیار عمل ما در بخش هایی مانند استخدام نیروهای انسانی، جذب سرمایه در گردش و ... کمتر از بخش خصوصی می باشد.

۴ ممکن است تاریخچه ای از شرکت گسترش صنایع بلوچ و همچنین تنوع محصولات و حجم تولیدات آن ارائه نمایید؟ اصولاً دلیل راه اندازی یک کارخانه نساجی در منطقه سیستان و بلوچستان چیست؟

سال ۱۳۵۳ بانک جهانی در قالب طرح محرومیت زدایی، کارخانجاتی در کشورهای ایران، مصر و پاکستان راه اندازی کرد. هدف از راه اندازی بافت بلوچ ضمن محرومیت زدایی و اشتغال آفرینی برای مردم سیستان و بلوچستان (ایران شهر)، رونق کشت پنبه به عنوان گیاه بومی این منطقه است. امروزه در منازل بومی استان و حتی محوطه کارخانه گسترش بلوچ، پنبه به صورت خود رو و درختچه مشاهده می شود اگرچه طول لیف این پنبه ها پایین است ولی برای تولید پنبه های هیدروفیل مناسب به نظر می رسد.

نساجی

جالب است بدانید سد پیشین (یک سد سنگ ریزه ای با هسته رسی) با هدف توسعه کشت پنبه احداث شده و شاهد کشت پنبه رنگی در زمین های دشتیاری هستیم که در دنیا کم نظیر است اما متأسفانه در دهه ۵۰ کشت پنبه به دلیل وجود آفت کرم سرخ ممنوع اعلام می شود. طبق شنیده ها این آفت از پاکستان به مزارع پنبه سیستان و بلوچستان سرایت پیدا کرد. البته بعضی معتقدند این موضوع جنبه سیاسی داشت و عده ای می خواستند با ممنوعیت کشت پنبه به تقویت و تداوم واردات پنبه از سایر کشورها بپردازند و مانع تبدیل سیستان و بلوچستان به قطب تولید پنبه ایران شوند.

در نهایت سال ۱۳۶۳ کارخانه بافت بلوچ مورد بهره برداری قرار می گیرد. سازندگان کارخانه متخصصین یونانی بودند و در ساخت و ساز تأسیسات

در این فضای بسیار گرم و فاقد تهویه مناسب برای کارگران سخت و طاقت فرساست. در کارخانه بافت بلوچ حدود ۲ هزار و ۵۰۰ نفر مشغول کار بودند و مدیران وقت با احتساب اجرای طرح توسعه کارخانه اقدام به جذب و استخدام کارگر کرده بودند در حالی که اقدام کاملاً نادرستی بود و طبعاً ادامه کار با این حجم بالا نیروی انسانی امکان پذیر به نظر نمی رسید لذا در سال ۱۳۸۱ حدود هزار کارگر باز خرید شدند.

مهر ۱۳۸۷ سالن ریسندگی به دلیل اتصال شبکه برق دچار آتش سوزی می شود البته این اتفاق در ماه مبارک رمضان رخ داد که جز چند نگهبان، کسی در کارخانه حضور نداشت و خوشبختانه کسی دچار سوختگی نشد اما از بین رفتن کل سالن ریسندگی، ضربه بسیار سنگینی به کارخانه وارد کرد چون بخش عمده ای از



درآمدهای بافت بلوچ توسط این بخش تأمین می شد و در ضمن تعداد زیادی کارگر نیز بیکار شدند. در بخش بافندگی ۹۶۰ دستگاه ماکویی قدیمی با تکنولوژی خارج از رده و منسوخ شده وجود داشت که مدیران وقت به مرور این دستگاه ها را به فروش رسانند و هیچ دستگاه جدیدی جایگزین آنها نشد و صرفاً تولید با حدود ۳۰-۴۰ دستگاه سولزر عریض و ایرجت انجام می شد که درآمد آن به هیچ عنوان پاسخگوی حجم بالای کارگران کارخانه نبود بنابراین سازمان صنایع ملی، مبالغی را تحت عنوان کمک به کارخانه تزریق می کرد و حتی ردیف بودجه از دولت هم داشت. سال ۱۳۸۸ این کمک ها متوقف شدند و

کارخانه آینده نگری جامعی داشتند برای مثال دقیقاً قرینه سالن های ریسندگی و بافندگی با هدف طرح توسعه کارخانه مدنظر قرار گرفته بود. سالن ریسندگی در ابتدا با ظرفیت تولید سالیانه ۵ هزار تن و سالن بافندگی با ظرفیت ۱۴ میلیون متر مربع فعالیت خود را آغاز کرد و قرار بود در فازهای بعدی حجم تولید به ۱۰ هزار تن در بخش ریسندگی و ۲۸ میلیون متر مربع در بخش بافندگی برسد. سال ۱۳۷۱ سالن چاپ و تکمیل به کارخانه اضافه شد و متأسفانه سازندگان این سالن، هیچ تمهیدی برای تهویه هوا در نظر نگرفته اند به طوری که در فصل تابستان، سالن چاپ و تکمیل به سونا تبدیل می شود و کار کردن

نخ صد درصد ویسکوز تولید کردیم که در بدو امر با مقاومت‌هایی روبرو شدیم.

این تغییر چه دلیلی داشت؟

چون بازار پلی‌استر ویسکوز چندان پر رونق نبود و در مقابل، صنعتگران نساجی از ویسکوز بیشتر می‌کنند لذا تغییر محصول دادیم اما حجم فروش چندان رضایت بخش نبود چون مشتریان چک‌های طولانی مدت صادر می‌کردند اما در مقابل، ایلاف ویسکوز وارداتی را باید به صورت نقدی می‌خریدیم؛ پس از گذشت چندین ماه بسیار سخت، به اجبار تولید نخ پلی‌استر ویسکوز را از سر گرفتیم. جالب اینجاست مدتی که به تولید نخ صد درصد ویسکوز مشغول بودیم، برند ما در بازار (به خصوص بازار کاشان جهت تولید فرش ماشینی) به‌عنوان یک محصول باکیفیت و معتبر، شناخته شد و با افزایش چشمگیر تقاضا برای خرید نخ صد درصد ویسکوز مواجهیم!

طبیعی است ارائه محصول جدید در بازار نیازمند گذشت زمان و کسب اعتماد مشتریان می‌باشد اما به دلیل نداشتن پشتوانه مالی، نتوانستیم به تقاضای مخاطبان پاسخ مناسب دهیم. به طور کلی باید عنوان کنم وقتی به‌عنوان یک تولیدکننده، سرمایه در گردش قابل اتکا ندارید طبعاً با چالش‌های متعددی از جمله درآمد محدود و سود اندک روبرو هستید.

در ادامه، موضوع خط جدید سالن بافندگی مطرح شد چون بخش ریسندگی و چاپ و تکمیل به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند اما تغذیه بخش چاپ و تکمیل وابسته به فعالیت سالن بافندگی است و در صورت عدم نوسازی بخش بافندگی، از ظرفیت چاپ و تکمیل بهره‌برداری نمی‌شود؛ به همین دلیل برای جلوگیری از از تعطیلی بخش چاپ و تکمیل صرفاً به صورت کارمزدی کار می‌کنیم. توجه داشته باشید به دلیل دوری سیستان و بلوچستان (ایران‌شهر) از بازارهای فروش، تجار تمایل چندانی برای ارسال پارچه ندارد اما با ترفندهای مختلف با آنان قرارداد منعقد می‌نماییم.

نکته دیگر این که خوشبختانه در بخش ریسندگی سودآور هستیم اما زبان‌دهی واحد چاپ و تکمیل باعث ایجاد زیان عملیاتی کارخانه (حدود ۲۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۱) شد و در سال ۱۴۰۲ توانستیم

داده نمی‌شود. یکی از محدودیت‌های شرکت‌های دولتی، عدم امکان افتتاح حساب در بانک بود که در بودجه سال ۱۴۰۳ این محدودیت برداشته شد ولی همان‌طور که می‌دانید سیستم بانکی کشور رغبت چندانی برای ارائه تسهیلات به بخش تولید و صنعت ندارد و در این حوزه سختگیری‌های خاص خود را دارند؛ از سوی دیگر برای تخصیص سرمایه در گردش بر معدل حساب تکیه می‌کنند اما وقتی یک کارخانه (اعم از دولتی یا خصوصی) به صورت کارمزدی فعالیت می‌کند، طبعاً درآمدهایش محدود است و معدل حساب چندان بالایی ندارد پس تسهیلات سرمایه در گردش برای چنین کارخانجاتی عدد قابل توجهی نیست و نمی‌توانند کل هزینه‌های تولید را تحت پوشش قرار دهند بلکه به تأمین بخشی از هزینه‌ها اکتفا می‌کنند و قسمت عمده‌ای از ظرفیت



واحد تولیدی بلااستفاده باقی می‌ماند با این اوصاف تا خرداد سال جاری، بخش رینگ و اوپن‌اند به صورت کارمزدی فعالیت می‌کرد و از ماه خرداد به بعد با سرمایه محدودی که در اختیار داشتیم، ریسک خروج بخش رینگ از فروش کارمزدی فعالیت می‌کنید، فعالان زمانی که به صورت کارمزدی فعالیت می‌کنید، فعالان بازار عملاً شناختی از برند شما ندارند اما متأسفانه به دلیل حادثه سقوط بالگرد رئیس جمهور و برگزاری انتخابات زودهنگام با رکود شدید بازار روبرو شدیم. نکته دیگر این که تا اوایل سال ۱۴۰۳، تولید خط رینگ کارخانه به نخ نمره ۳۰ پلی‌استر-ویسکوز اختصاص داشت اما با اعمال تغییراتی، برای اولین بار

با انحلال سازمان صنایع ملی، بافت بلوچ با تعداد زیاد کارگر و درآمد بسیار اندک از بخش چاپ و تکمیل در اختیار ایدرو قرار گرفت. در گام نخست تعدادی از نیروهای انسانی بازخرید و بازنشسته می‌شوند سپس یک خط قدیمی ریسندگی شامل مقدمات حلاجی اینگل‌اشنات (متعلق به سال ۱۹۶۰) و سه دستگاه اتوکنر اشلا فهورث (ساخت سال ۲۰۰۳) از «شرکت نساجی کردستان» خریداری می‌گردد. در آن سال‌ها ظرفیت تولید روزانه یک تا ۳ تن نخ صد درصد پنبه‌ای بود که به صورت کارمزدی انجام می‌گرفت.

با توجه به نگاه خاص رهبر انقلاب و شناختی که ایشان هنگام تبعید به ایران‌شهر از بافت بلوچ داشتند؛ سال ۱۳۹۴ عملیات بازسازی و نوسازی کارخانه آغاز شد، سال ۱۳۹۹ خط جدید سالن ریسندگی مورد بهره‌برداری قرار گرفت و بر این اساس خط مقدمات

حلاجی از شرکت تروشیر آلمان، ۵ دستگاه رینگ از زینسر و ۴ دستگاه اوپن‌اند اشلا فهورث متعلق به سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ تهیه شدند. همان زمان بحث احیای سالن بافندگی مطرح گردید اما به دلایلی این کار انجام نشد و خط ریسندگی همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

یکی از مشکلات موجود، فعالیت بخش رینگ و اوپن‌اند به صورت کارمزدی بود. به هر حال ایدرو با محدودیت منابع مالی روبروست و قسمتی از بودجه راه‌اندازی خط ریسندگی از محل منابع عمومی و بخشی هم از منابع داخلی ایدرو هزینه شده و دیگر بودجه‌ای برای سرمایه در گردش تخصیص

این زیان را به یک و نیم میلیارد تومان کاهش دهیم. در بحث سود و زیان خالص نیز در سال ۱۴۰۱ حدود ۳۵ میلیارد تومان زیان خالص داشتیم که در سال ۱۴۰۲ آن را به ۱۳ میلیارد تومان سود خالص رساندیم که اقدام بسیار بزرگ و ارزشمندی است.

مناقضه مربوط به بازسازی و نوسازی سالن بافندگی کارخانه از سال ۱۳۹۹ آغاز شد، در سال ۱۴۰۰ پس از مشخص شدن پیمانکار (شرکت صنعتی سانتیگراد) سالن قدیمی بافندگی به دو بخش (یک قسمت خط جدید ریسندگی و قسمت دوم خط بافندگی) تقسیم شد. این بخش نیاز مبرمی به نوسازی و بازسازی داشت که عملیات آن شروع شده و به امید خدا تا پایان آذرماه به اتمام خواهد رسید. در سال ۱۴۰۲ نیز ۱۰۲ دستگاه بافندگی، ۳۲ دستگاه عریض ایرجت و ۷۰ دستگاه راپیر از محل منابع داخلی ایدرو به ارزش ۱۰ میلیون یورو خریداری شد. در بدو امر جهت خرید دستگاه مکاتباتی با ITEMA انجام گرفت اما به دلیل تحریم‌ها این معامله انجام نگرفت، در بخش مقدمات بافندگی هم شرکت کارل مایر اعلام کرد هیچ‌گونه مرادهمای با ایران ندارند؛ لذا دستگاه‌های بافندگی از شرکت پیکانول تهیه شد.

برای سهولت خرید و نصب ماشین‌آلات، برنامه‌ای برای خرید دستگاه‌های ساخت چین یا تهیه دستگاه‌های دست دوم اروپایی نداشتید؟
خیر! اعتمادی به ماشین‌آلات دست دوم وجود ندارد چون اطلاعاتی از نحوه استفاده، تعمیرات و نگهداری مصرف‌کننده قبلی دستگاه ندارید؛ ضمناً طبق قانون خرید ماشین‌آلات دست دوم برای نهادهای دولتی ممنوع می‌باشد. شرکت‌های چینی هم در بخش ساخت ماشین‌آلات بافندگی چندان مطرح و شناخته شده نیستند.

نصب ماشین‌آلات جدید در چه مرحله‌ای قرار دارند؟

در بخش بافندگی ۳۲ دستگاه ایرجت وارد، ترخیص و مستقر شده است؛ بخش دیگری از دستگاه‌ها در گمرک شهریار قرار دارد که مراحل ترخیص آنها در حال انجام می‌باشد، طی چند هفته آتی ۱۵ دستگاه دیگر از بلژیک حمل خواهد شد و اواسط دی ماه حمل

تمام ماشین‌آلات به اتمام خواهد رسید. ماشین‌آلات چله‌پیچی بخشی از «شرکت ماشین‌سازی راعی» یکی از شرکت‌های معتبر کشور «تهیه شده که آماده حمل است و به زودی بارگیری می‌شود. ماشین‌آلات چله‌پیچی مستقیم و آهار نیز از شرکت رامالومین ایتالیا وارد خواهند شد.

آیا برای تکمیل زنجیره تولید در صنایع بلوچ برنامه‌ای برای ورود به عرصه پوشاک مدنظر قرار دارد؟

قطعاً برنامه بعدی ما تولید پوشاک است کما این‌که با همکاری کمیته امداد امام خمینی (ره) برای زنان بی‌سرپرست یا بد سرپرست، فضایی برای دوخت پوشاک در نظر گرفته‌ایم و فعالیت بسیار جزئی در حوزه پوشاک آغاز کرده‌ایم. به امید خدا پس از راه‌اندازی بخش بافندگی، تصمیم داریم تحت یک برند معتبر به تولید پوشاک و کالای خواب بپردازیم.

دیدگاه مدیران ارشد ایدرو نسبت به صنعت نساجی چیست؟ تا چه میزان نسبت به توانمندی‌ها

واشغال‌زایی قابل‌تأمل این صنعت آشنا هستند؟
نگرش رئیس هیئت عامل - آقای دکتر فرشاد مقیمی - و سایر ارکان سازمان گسترش نسبت به فعالیت‌های بافت بلوچ بسیار مثبت است و نگاه ویژه‌ای به این مجموعه دارند و در راستای حمایت از حفظ تولید و اشتغال‌زایی از هیچ کمکی فروگذار نیستند چون صنعت نساجی را به‌عنوان یک صنعت

موفق و پیشران می‌دانند و تمایل بسیاری به همکاری مشترک با شرکت‌های فعال و مطرح صنعت نساجی (بخش خصوصی) دارند همان‌طور که ۳۰ درصد سهام شرکت نساجی فردوس متعلق به ایدرو بود و براساس طرح‌های مشارکتی به آقای مهندس احد کرمانی واگذار گردید. اگر مدیران ایدرو، نساجی را به‌عنوان یک صنعت بحران‌زده یا ورشکسته تلقی می‌شناختند هرگز بحث مشارکت با بخش خصوصی را دنبال نمی‌کردند.

این تصور وجود دارد که کارخانه‌های تحت پوشش سازمان‌های دولتی همچون ایدرو، برخلاف کارخانه‌های بخش خصوصی نساجی با هیچ‌گونه مشکل یا چالش خاصی در مسیر تولید روبرو نیستند چون تحت حمایت همه‌جانبه دولت قرار دارند...
اصلاً این‌طور نیست! در دوران رکود شدید بازار در پرداخت هزینه‌ها با مشکلات بسیاری مواجه شدیم.



برای مثال یکی از هزینه‌های اصلی ما پرداخت حق بیمه پرسنل است.

تیرماه امسال که از عهده پرداخت حق بیمه کارگران برنیامدیم، بلافاصله سازمان تأمین اجتماعی بیمه پرسنل را قطع کرد و پس از کش و قوس‌های فراوان، موفق به تداوم بیمه کارگران شدیم. سازمان امور مالیاتی که همواره پیگیر وصول مطالبات خود است و دولتی بودن مجموعه، مشمول معافیت خاصی نیست. امسال به دلیل قطعی مکرر برق خسارات

رقابت با کشورهایمانند پاکستان را هم نداریم. هرچند ماشین‌آلات قدیمی در کارخانه‌های نساجی پاکستان نیز پیدا می‌شود ولی به دلیل ارتباط با دنیا از کسب تکنولوژی و دانش فنی روز عقب نمانده‌اند؛ به‌طوری‌که مثلاً امکان تولید نخ نمره ۶۰ Ne را دارند و بر مباحث اقتصادی کار خود بسیار دقیق و مسلط هستند. مدتی پیش یک هیئت پاکستانی از کارخانه بافت بلوچ بازدید به عمل آورد، در بخش بسته‌بندی از ما پرسیدند «چرا در یک کیسه نخ ۱۲ بوبین قرار می‌دهید؟ چون اصلاً مقرون به صرفه نیست و قیمت تمام شده نخ شما را افزایش می‌دهد» و افزودند: «ما حداقل ۲۰-۲۵ بوبین نخ داخل یک کیسه قرار می‌دهیم.» صنعتگران پاکستانی با چنین طرز تفکر اقتصادی توانسته‌اند به کشورهای اروپایی صادرات داشته باشند و در حوزه پوشاک نیز حرف‌های بسیاری برای گفتن دارند ولی ما به دلیل تحریم از دسترسی به ماشین‌آلات روز دنیا و تکنولوژی‌های جدید تولید محروم مانده‌ایم.

و در بخشی تهیه قطعات یدکی و لوازم مصرفی کارخانه نیز محدودیت‌های بسیاری سر راه صنعتگران داخلی وجود دارد!

صد درصد، یکی از مشکلات اساسی ما در بخش خرید قطعات یدکی است. داخل کشور که به ندرت قطعات مدنظر تولید می‌شود و مجبور به واردات هستیم که زمان بسیار طولانی به خود اختصاص می‌دهد و در این اثنا خطوط تولید دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیر می‌شوند. دلایل بسیاری هم در بازار قطعات یدکی حضور دارند که برای عدم توقف تولید و بیکاری کارگران به آنها اعتماد می‌کنیم اما پس از تهیه قطعه وارداتی، متوجه تقلبی بودن آن می‌شویم سرانجام باید سراغ تأمین‌کننده دیگر برویم و معلوم هم نیست بعد از چند بار معامله، سرانجام موفق به تهیه قطعه مورد نیاز شویم.

مطلب پایانی

بخش عمده‌ای از جامعه نساجی، بافت بلوچ را به‌عنوان یک مجموعه از بین رفته تلقی می‌کند که صرفاً بودجه دولت را می‌گیرد و تولیدات بسیار اندکی دارد ولی دولت صرفاً به سرمایه‌گذاری می‌پردازد و

استان کشت شود و مورد استفاده بخش ریسندگی و بافندگی کارخانه قرار گیرد. سال ۱۳۹۶ شرکت برای حذف قرنطینه، طی کاشت پنبه در ۴ مزرعه مختلف، نتایج را به مرکز تحقیقات پنبه گرگان ارسال کرد و با تلاش مدیرعامل وقت، ممنوعیت کشت پنبه در بخش وسیعی از استان سیستان و بلوچستان لغو شد. سال ۱۴۰۰ هم کشاورزان استان به صورت خودجوش در حد ۱۰ هکتار پنبه کاشتند که خوشبختانه به ثمر نشست و سال گذشته برای توسعه و رونق کشت پنبه، قرارداد خرید تضمینی با کشاورزان منعقد کردیم، سپس با مشارکت بخش خصوصی در داخل بافت بلوچ یک کارخانه پنبه پاک‌کنی تأسیس شد، کمتر کارخانه‌ای در ایران یافت می‌شود که چنین مجموعه کاملی از کشت پنبه تا تولید محصول نهایی را در اختیار داشته باشد.

زیادی به کارخانه وارد شد، سال گذشته تنها یک روز در هفته (و آن هم ۳-۴ ساعت) برق مجموعه قطع می‌شد ولی از خرداد تا شهریور سال جاری که دمای هوای ایرانشهر به ۵۰ درجه هم رسید؛ به دلیل قطعی روزانه برق یک شیفت کاری به طور کامل حذف شد و ۵۰۰ تن کاهش تولید نخ را در این مدت تجربه کردیم. از سوی دیگر هزینه‌های برق به طور سرسام‌آوری افزایش پیدا کرده است. مثلاً در سال‌های گذشته هزینه برق مصرفی کارخانه (ماهانه) ۱۵۰-۱۰۰ میلیون تومان بود ولی امروز به ۴۵۰-۵۰۰ میلیون تومان رسیده است یا سال گذشته هر کیلو ویسکوز مصرفی بخش ریسندگی را ۱۰۱ هزار تومان می‌خریدیم و الان به کیلویی ۱۲۳ هزار تومان افزایش پیدا کرده و این گرانی مواد اولیه، مرتب در حال صعود است! اما نمی‌توانیم قیمت محصولات را به همین نسبت بالا ببریم چون بازار کتش این



دیدگاه شما در مورد وضعیت فعلی صنعت نساجی چیست؟

سال ۱۳۸۱ که وارد صنعت نساجی شدم، شاهد اجرای قانون بازسازی و نوسازی نساجی بودم و کارخانجات متعددی با استفاده از این قانون به واردات ماشین‌آلات مدرن و جدید پرداختند ولی متأسفانه امروز با معضل بزرگی مواجهیم و بالغ بر ۷۰-۸۰ درصد کارخانه‌های نساجی دارای ماشین‌آلات از رده خارج و فرسوده هستند، بی‌شک با چنین دستگاه‌هایی امکان

افزایش قیمت را ندارد. این شرایط نامساعد تولید و بازار برای شرکت‌هایی همچون گسترش صنایع بلوچ نیز مصداق دارد؛ هر چند دولتی هستیم ولی هیچ استثنا و تفاوتی با بخش خصوصی نداریم. بحث دیگر این که یکی از فلسفه‌های راهاندازی بافت بلوچ، افزایش کشت پنبه به‌عنوان گیاه بومی منطقه سیستان و بلوچستان بود ولی از نظر بعد مسافت، فاصله بسیاری با مراکز تولید پنبه در کشور داریم و بنیان‌گذاران کارخانه تصمیم داشتند که پنبه در همین